

شاید کمتر رسانه‌ای در دنیا باشد که این روزها در صفحه نخست خود تحولات افغانستان را پوشش ندهد. دولت برآمده از رای مردم در کمتر از چند هفته با لشکرکشی طالبان سقوط کرد و اکنون در افغانستان نیز رای مردمی به بایگانی تاریخ سپرده شد و طالبان به دنبال ایجاد امارت اسلامی خود است. امراتی که یکبار تجربه شکست خورده آن را داشته و این بار سعی دارد با همراهی جامعه جهانی به رویای خود برسد و شریعت اسلامی خاص خود را اجرائی کند. پیشروی برق آسای طالبان باعث شده نگاه‌ها به خیانت آمریکا دوخته شود. آمریکا در سال ۲۰۰۱ با هدف ساقط کردن طالبان وارد افغانستان شد و ۲۰ سال این کشور را اشغال کرد. در نهایت دولت افغانستان را خالی کرد و طالبان را با تجهیزات بسیار پیشرفته خود تنها گذاشت تا به قدرت برسند. مقاومت مردمی در پنجشیر در برابر طالبان نیز با توجه به عدم حمایت جامعه جهانی از آن تاکنون راه به جایی نبرسده و طالبان به واقعیت کنونی افغانستان تبدیل شده است. واقعیتی که باید ضمن توجه به خطرات و تهدیدات آن سعی در مدیریت آن داشت. در همین ابتدای کار طالبان نشان داده که تمامیت خواه بوده و نه به حقوق زنان توجهی دارد و نه اینکه به دنبال گفت و گو با مخالفان است. بررسی تحولات داخلی افغانستان بسیار پیچیده بوده و نیازمند اطلاعات دقیق است. اما مسئله مهمی که افکار عمومی را به شدت درگیر کرده است به نوع ارتباط ایران با طالبان و تحولات افغانستان بر می‌گردد. برای پاسخ دادن به این سؤال در ابتدا باید نگاهی به مواضع ایران نسبت به طالبان در چند دهه اخیر داشته باشیم تا به طالبان کنونی برسیم.

بهترین مرجع برای بررسی نوع نگاه ایران به طالبان بررسی سخنرانی‌های رهبر معظم انقلاب است. رهبر معظم انقلاب در ۲۳ شهریور ۱۳۷۷ در پیام تسلیت در پی کشتار مردم مزار شریف به دست طالبان از این گروه ترویستی با عنایتی مانند قشون ظالم و سنگدل، قوم متعصب و وحشی و بیگانه از تعلیم نورانی اسلام و بی‌خبر از قوانین عمومی جهان یاد کردند. رهبر معظم انقلاب در ۲۴ شهریور ۱۳۷۷ نیز در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران با فرمانده کل قوا نیزس تاکید کردند،

**مس‌ا در برابر طالبانی قرار داریم که از یک طرف پیشینه سیاهی دارد و از سوی دیگر امروز مدعی استست تغییر کرده و به دنبال گفت‌وگو با جهان است. ادعایی که نمی‌توان آن را به سادگی پذیرفت و ماهیت این گروه خود دلیل محکمی در رد این ادعا است.**

فتنه‌های گروه سفاک طالبان گرفتاری بزرگی در برای ملت افغانستان به وجود آورده است. در بیانات ایشان در دیدار با زارتان و مجاوران حرم مطهر رضوی در تاریخ یکم فروردین ۱۳۸۲ نیز آمده است در شرق کشور ما طالبان توسط خود آمریکایی‌ها سازمان دهی شده بودند. آنها از لحاظ فکری، اعتقادات سلفی داشتند و با شیعه، ایران، انقلاب اسلامی و امام هم سخت دشمن بودند. حال مس‌ا در برابر طالبانی قرار داریم که از

یک طرف پیشینه سیاهی دارد و از سوی دیگر امروز مدعی است تغییر کرده و به دنبال گفت‌وگو با جهان است. ادعایی که نمی‌توان آن را به سادگی پذیرفت و ماهیت این گروه خود دلیل محکمی در رد این ادعا است. اما با تمام این تفاسیر در برابر این گروه چه باید کرد؟

**ارتباط ایران با دولت برآمده از طالبان باید چگونه باشد؟**

ایران نمی‌تواند و نباید نسبت به تحولات داخلی آمریکا در سال ۲۰۰۱ با هدف ساقط کردن طالبان وارد افغانستان شد و ۲۰ سال این کشور را اشغال کرد. در نهایت دولت افغانستان را خالی کرد و طالبان را با تجهیزات بسیار پیشرفته خود تنها گذاشت تا به قدرت برسند. مقاومت مردمی در پنجشیر در برابر طالبان نیز با توجه به عدم حمایت جامعه جهانی از آن تاکنون راه به جایی نبرسده و طالبان به واقعیت کنونی افغانستان تبدیل شده است. واقعیتی که باید ضمن توجه به خطرات و تهدیدات آن سعی در مدیریت آن داشت. در همین ابتدای کار طالبان نشان داده که تمامیت خواه بوده و نه به حقوق زنان توجهی دارد و نه اینکه به دنبال گفت و گو با مخالفان است. بررسی تحولات داخلی افغانستان بسیار پیچیده بوده و نیازمند اطلاعات دقیق است. اما مسئله مهمی که افکار عمومی را به شدت درگیر کرده است به نوع ارتباط ایران با طالبان و تحولات افغانستان بر می‌گردد. برای پاسخ دادن به این سؤال در ابتدا باید نگاهی به مواضع ایران نسبت به طالبان در چند دهه اخیر داشته باشیم تا به طالبان کنونی برسیم.

بهترین مرجع برای بررسی نوع نگاه ایران به طالبان بررسی سخنرانی‌های رهبر معظم انقلاب است. رهبر معظم انقلاب در ۲۳ شهریور ۱۳۷۷ در پیام تسلیت در پی کشتار مردم مزار شریف به دست طالبان از این گروه ترویستی با عنایتی مانند قشون ظالم و سنگدل، قوم متعصب و وحشی و بیگانه از تعلیم نورانی اسلام و بی‌خبر از قوانین عمومی جهان یاد کردند. رهبر معظم انقلاب در ۲۴ شهریور ۱۳۷۷ نیز در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران با فرمانده کل قوا نیزس تاکید کردند،

افغانستان بی‌تفاوت باشد. ترکیه، عربستان، قطر، روسیه و چین در کنار پاکستان پیش از این به صورت جدی اعلام کرده‌اند که تحولات افغانستان بدون نظر آنها رقم نخواهد خورد. ترکیه و عربستان در روقیب اصلی ایران در منطقه هستند و ایران باید در هر حوزه نفوذی که این دو کشور حضور دارند ورود کند. اما ورود ما باید چگونه باشد؟ آیا باید



نیروی نظامی به افغانستان برای دفاع از مقاومت پنجشیر فرستاد یا از روش‌های دیگری استفاده کرد تا هم مشکل با دشمنان و تکامل نهادهای این نوع منافع مردم افغانستان؛ در ادامه پنج نوع رفتار برای دیپلماسی انقلابی ایران در برابر طالبان پیشنهاد می‌شود.

۱. حال که طالبان بر افغانستان مسلط شده

جمع‌وری اسلامی ایران باید برای تأمین امنیت خود در درجه نخست توافقنامه‌ای امنیتی با

## دریچه‌ای به جهان khareji@kayhan.ir



**کنترل طالبان از منظر دیپلماسی انقلابی چگونه باید باشد؟**

# ۵ پیشنهاد به دستگاه دیپلماسی ایران برای کنترل و مدیریت بحران بر آمده از طالبان

**محمدرضا مرادی**

در مورد این گروه تاکید کرده‌ندطالبان از لحاظ فکری، اعتقادات سلفی دارند و با شیعه، ایران، انقلاب اسلامی و امام هم سخت دشمن هستند. دیدگاه، اقدامات و تجارب گذشته این گروه این واقعیت را بر سر ملا می‌کند که نباید اجازه داد، حوادث دهه هفتاد و گشتار شیعیان در افغانستان و دیپلمات‌های ایرانی توسط طالبان اتفاق بیفتد. ۳. ایران باید از اهرم‌های خود برای مشارکت تمام گروه‌های مردمی در دولت آینده افغانستان استفاده کند. هرچند این گروه بعید است که قدرت را با کسی تقسیم کند اما این به معنای عدم تحرکات ما نباید باشد. دکتر رئیسی رئیس‌جمهور کشورمان اخیرا تاکید کردند که از دولتی که برخاسته از رای مردم افغانستان باشد حمایت می‌کنیم.

۴. نکته بعد این است که ایران به عنوان حامی مظلومان در جهان شناخته می‌شود و بخش زیادی از قدرت نرم ایران از این مسیر محقق شده است. طبیعی است هرگونه اقدامی بر خلاف این اصل می‌تواند قدرت نرم ایران را به شدت تحت تأثیر قرار دهد. ایران باید این مسئله را که امنیت شیعیان و دیگر اقلیت‌ها در افغانستان تأمین شود را مد نظر داشته باشد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم، مقابله با زورگویان و پشتیبانی از مستضعفان را از خصوصیات انقلاب اسلامی ایران در طول ۴۰ سال گذشته دانسته و تداوم این موضوع را مورد تاکید قرار داده‌اند. حمایت از مستضعفان ریشه مکتبی دارد و در آیات قرآن به قدرت فرامی‌گردد. راه خدا و مستضعفان از زن و مرد و است، برای مثال آیه ۷۵ سوره نساء مسلمانان را

نهادمندی پایین، قوه قضائیه غیرمستقل و فساد سیاسی کشور گسترده است و قوانین و مقررات دولتی به شکلی ناقص و دلجووانه اجرا می‌شود و منابع و امکانات ملی به راحتی مورد استفاده شخصی افراد قدرتمند وابسته به قدرت فرامی‌گردد و اراده افراد به راحتی بر قانون حاکم می‌شود.

در مقابل پیشروترین کشورها، انهایی هستند که دولت‌های قوی داشته و رهبران قوی و مصمم آنها توانسته‌اند با بسیج منابع و امکانات کشور و ایجاد محیطی امن و بنایات فرایند توسعه را رهبری نمایند.

### کودتا و شورش

**مهم‌ترین مظهر بی ثباتی سیاسی** همان طور که گفته شد جنگ داخلی و خارجی، کودتاهای نظامی، تژروهای سیاسی، شورش‌های جمعی و مداخله قدرت‌های خارجی، از مهم‌ترین



دولت‌های ضعیف انهایی هستند کهه توانایی کمی برای تأثیر بر اجتماع، قانون‌مند کردن روابط اجتماعی و بهره‌برداری از منابع به شیوه‌ای مشخص دارند.تلاش برای کنترل اجتماعی در این جوامع، در حقیقت کشمکش میان دولت بعنوان بازیگر اصلی و دیگر سازمان‌ها و بازیگران اجتماعی است که در برابر کنترل دولت مقاومت می‌کنند. چنین کشمکشی در واقع چالش سیاسی است که همواره به عنوان یک عامل اساسی در تقویت و تضعیف دولت نقش داشته است. مسلمانا این گونه دولت‌ها از توان اندکی برای ارائه خدمات به شهروندان و اعمال اقتدار در جامعه برخوردار هستند.

در بیشتر کشورهای در حال توسعه که بی‌ثباتی سیاسی از نوع حاد، نظیر جنگ داخلی و فعالیت مخالفان مسلح وجود ندارد، به دلیل ضعف کلی دولت و

کودک مبارزه نمی‌کنند.» بر اساس اصل ۱۵۴ قانون اساسی «جمهوری اسلامی ایران در عین خودداری کامل از هر گونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفان در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان، حمایت می‌کند» واقعیت‌های موجود نشان می‌دهد که اگر در ۴۰ سال اول انقلاب به این اصول عمل نکرده بودیم، امروز چنین حضور و نفوذ قدرتمندانه‌ای در منطقه نداشته و با ناامنی و بی‌ثباتی وارداتی از خارج از مرزا به داخل کشور مواجه بودیم. طبعاً تلاش جهت دستیابی به اهداف سیاست خارجی توسط نهادهای ذریبط از جمله دستگاه دیپلماسی، باعث افزایش اقتدار و تأثیر گذاری کشور بوده و تداوم حمایت ایران از مظلومان و مستضعفان در چهل سال دوم انقلاب، نمادی از دیپلماسی انقلابی خواهد بود.

۵. یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در ارتباط با هر دولتی در افغانستان برای ایران باید مهم باشد حق‌آبه ایران از هیرمند در دادخواست حقوقی ایران از آب رود هیرمند در افغانستان و سیستان اشاره دارد. معاهداتی که در ۲۲ اسفند ۱۳۵۱ میان ایران

بر این اساس ایران باید بسا تاکید بر اصل عدم مداخله در امور داخلی افغانستان به دنبال میانجیگری و در پیش گرفتن دیپلماسی پویا و سازنده برای حل مسئله پنجشیر به شکلی مسالمت‌آمیز باشد، چرا که پنجشیر نماد مقاومت در برابر ظلم بوده و حمایت‌های ایران از مردم این منطقه در دهه ۹۰ میلادی هنوز در ذهن تک تک پنجشیری‌های زنده است. ایران بزرگ‌ترین همسایه افغانستان بوده و طبیعتاً هیچ تحولی در این کشور بدون توجه به اصول اساسی ایران نباید رقم بخورد. زمانی که ترکیه، عربستان و قطر به همراه چین و روسیه سعی در کنشگری در افغانستان را دارند ایران با توجه به همجواری با

صفحه ۸

پنج‌شنبه اول مهر ۱۴۰۰

۱۶ صفر ۱۴۴۳ – شماره ۲۲۸۴۹

۸۵۰ میلیون مترمکعب در سال) سهم ایران از آب این رودخانه باشد. با وجود انعقاد قرارداد حق‌آبه هیرمند، از اواخر دهه ۱۳۷۰ و همزمان با کاهش بارش سالانه و گسترش خشکسالی بر سیستان، میزان ورودی آب رود هیرمند به دریاچه هامون مرتباً کاهش یافت. با وجود تدوین اساسنامه پیگیری حق‌آبه رودخانه هیرمند در سال گذشته اما دولت فراری اشراف غنی نسبت به رعایت حق‌آبه ایران کارشکنی کرد.

رودخانه هیرمند اصلی‌ترین منبع تأمین حق‌آبه تالاب هامون به حساب می‌آید. در این شرایط، خشک شدن تدریجی این تالاب که از اوایل دهه ۷۰ شمسی آغاز شده و در سال‌های اخیر با شدت بیشتری پیش رفته، زمینه تغییرات منفی زیست بوم منطقه را مهیا کرده است تا جایی که نام این تالاب در «لیست تالاب‌های در معرض خطر» (مونترو) ذکر شده است. یکی از اصلی‌ترین دلایل خشک شدن تالاب بین‌المللی هامون، کاهش حق‌آبه این تالاب از مناطق بالادست رودخانه هیرمند، تلقی می‌شود. بنابراین در هر گونه ارتباط با طالبان این مسئله مهم باید مطرح و پیگیری شود.

**نتیجه**

بر این اساس ایران باید بسا تاکید بر اصل عدم مداخله در امور داخلی افغانستان به دنبال میانجیگری و در پیش گرفتن دیپلماسی پویا و سازنده برای حل مسئله پنجشیر به شکلی مسالمت‌آمیز باشد، چرا که پنجشیر نماد مقاومت در برابر ظلم بوده و حمایت‌های ایران از مردم این منطقه در دهه ۹۰ میلادی هنوز در ذهن تک تک پنجشیری‌های زنده است. ایران بزرگ‌ترین همسایه افغانستان بوده و طبیعتاً هیچ تحولی در این کشور بدون توجه به اصول اساسی ایران نباید رقم بخورد. زمانی که ترکیه، عربستان و قطر به همراه چین و روسیه سعی در کنشگری در افغانستان را دارند ایران با توجه به همجواری با



**یکی از اصلی‌ترین دلایل خشک شدن تالاب بین‌المللی هامون، کاهش حق‌آبه این تالاب از مناطق بالادست رودخانه هیرمند تلقی می‌شود. بنابراین در هر گونه ارتباط با طالبان این مسئله مهم باید مطرح و پیگیری شود.**

افغانستان بیش از دیگران باید به دنبال تأثیرگذاری مثبت بر حوادث افغانستان باشد. بنابراین باید ضمن پرهیز از واکنش‌ها و اقدامات هیجانی سعی در مدیریت بحران کرد و از روش‌های مختلف، منافع کشور را در زمینه افغانستان به بهترین شکل ممکن محقق نمود.



به حمایت از مستضعفان فرا خوانده و می‌گویند: «چرا در راه خدا و مستضعفان از زن و مرد و

آمریکا و هم پیمانان، جنگ داخلی، تسلط گروه‌های اسلام‌گرای افراطی، ناامنی‌های داخلی و کشته شدن صدها هزار افغان بوده است. در نتیجه امروزه این کشور یکی از کم توسعه یافته‌ترین کشورهای جهان است که به شدت متکی به کمک‌های خارجی می‌باشد.

### نظامی شدن در جهان سومی‌ها

نظامی شدن تدریجی امور جهان سوم پس از استقلال و گسترش نیروهای مسلح به عنوان عامل نوسازی، ستون امنیت ملی و ثبات برای توسعه، که جنگ سرد هم محرک دیگری برای آن بوده و تلاش تحکیم بنای دولت با احساس فراگیر آسیب پذیری، فشار شدید مالی و ساختاری بر اقتصادشان وارد کرده و با فقدان ثبات سیاسی و انسجام اجتماعی، ارتش نقش عمده و حاکم را یافته و شبکه‌ای از روابط نظامی میان آنها و ممالک صنعتی ایجاد گردیده است. امروزه امنیت دولت‌های جهان سوم در گرو انبایات اسلحه و تقویت بنیان‌های نظامی قرار گرفته است. به گفته برخی کارشناسان، ترتیبات پرهزینه امنیتی آن‌ها به ضرر جهت‌گیری‌ها و ذخایر با صندوق‌های توسعه‌ای یعنی سرمایه‌گذاری و رفاه، جریان یافت.

همانطور که اشاره شد، کشورهای در حال توسعه منابع ناچیز خود را بیش از مصرف در جهت توسعه در هزینه‌های نظامی به کار می‌برند. شایسته تامل است که جنگ و درگیری طی ۴۵ سال از ۱۹۴۵ تا ۱۹۹۰ در منطقه خاورمیانه ۲ تریلیون و سیصد میلیارد دلار هزینه داشته است و این رقم از مسیر توسعه این منطقه منحرف و مصرف شده است.

### زیست دموکراسی

### کشورهای در حال توسعه

امروزه شکل رایج حکومت در کشورهای در حال توسعه دموکراسی است. به دلیل جهانشمول شدن دموکراسی همه دولت‌ها تلاش می‌کنند به نوعی نشان دهند که دمکراتیک‌ها یا در پی رسیدن به آنها هستند و تمایل ندارند که غیر دموکراتیک نامیده شوند. از این رو حاکمان مستعبد، بسه منظور مردمی جلوه دادن حکومت خود، اقداماتی صورت می‌دهند که از جمله انتخابات فرمایشی و کنترل شده و در زمانی که اوضاع از کنترل خارج نشد، نتایج انتخابات را قبول نمی‌کنند و به سرکوب روی می‌آورند. برای مثال در جریان انتخابات سال ۲۰۰۸ در دیمبابوه، با وجود تقلب‌های وسیع دولت در انتخابات، مخالفان دولت با نقابت اندکی در رئیس‌جمهور حاکم پیشی گرفتند، اما دولت یک ماه بعد نتایج را اعلام کرد و انتخابات به دور دوم کشید. دموکراسی در این کشورها بیشتر شکلی است و شهروندان آنها بیشتر در انتخابات دارای نفوذ هستند و حکومت دموکراتیک و پاسخ‌گویی دموکراتیک

نگاهی به فرآیندهای مختلف دولت‌سازی و توسعه در نقاط مختلف جهان طی ۵۰ سال گذشته نشان می‌دهد که دولت‌تاختی اساسی در سعادت یا تیره‌بختی مردم کشورها یافتند. رخدادهای این روزهای افغانستان در همسایگی شرق ایران این سؤال را برای بسیاری از ناظران ایجاد کرده که فرایند دولت‌سازی در این کشور چطور به بن‌بست رسید و طالبان مجدداً بعد از ۲۰ سال حاکم شد تا از نو و از نقطه صفر طرحی نو را برای ایجاد و حکومت دراندازد. این حوادث بیش از هر زمانی مفهوم و ریشه‌های شکل‌گیری شرایط دولت‌ورشکسته یا دولت‌درمانده یا شکست خورده (Failed state) را برجسته می‌سازد. اما این وضعیت مشخصاً منحصر به افغانستان نیست و در دایره‌المعارف سیاست بین‌الملل، دولت‌های زیادی وجود دارند که از آنها با نام دولت‌های «درمانده» و «شکندنه» یاد می‌شود.

**درماندگی دولت به این معنی است که دولت از جهات بسیار مهمی شکست خورده است. ویژگی‌های شکنندگی به واسطه خشونت به شدت عمیق‌تر شده‌اند. به جای حمایت از شهروندان، هرج و مرج و اغلب جنگ داخلی حکم‌فرما است. قانونی تصویب نمی‌شود و نظم برقرار نمی‌گردد، اقتدار سیاسی مرکزی وجود ندارد یا بسیار ناکارآمد است. در بسیاری از موارد نظام اقتصادی هم در مانده است و حتی قادر به تأمین ابتدایی‌ترین عناصر رفاه برای مردم نیست.**

افزایش بی‌سابقه کشورهای مستقل در قرن بیستم، نتیجه سنه موج اصلی پدید آمدن همین دولت‌های جدید بوده است. هرکدام از این موج‌ها شامل فروپاشی امپراتوری و بروز یکپارچگی و قابلیت تداوم دولت‌های

**دولت‌های درمانده چطور شکل می‌گیرند و چگونه عمل می‌کنند؟**

درماندگی دولت به این معنی است که دولت از جهات بسیار مهمی شکست خورده است. ویژگی‌های شکنندگی به واسطه خشونت به شدت عمیق‌تر شده‌اند. به جای حمایت از شهروندان، هرج و مرج و اغلب جنگ داخلی تصویب نمی‌شود و نظم برقرار نمی‌گردد، اقتدار سیاسی مرکزی وجود ندارد یا بسیار ناکارآمد است. در بسیاری از موارد نظام اقتصادی هم در مانده است و حتی قادر به تأمین ابتدایی‌ترین عناصر رفاه برای مردم نیست.

افزایش بی‌سابقه کشورهای مستقل در قرن بیستم، نتیجه سنه موج اصلی پدید آمدن همین دولت‌های جدید بوده است. هرکدام از این موج‌ها شامل فروپاشی امپراتوری و بروز یکپارچگی و قابلیت تداوم دولت‌های

# دولت‌های درمانده چطور شکل می‌گیرند و چگونه عمل می‌کنند؟

مرتبط می‌دانند. از دید آنان این پیوند نشان دهنده یک عامل ساختاری عمیق است: رسانه‌های جهانی و شرکت‌های فرهنگی ساختارهای ظلمی هستند که بسه طور روزافزونی به بخش مهم اقتصاد جهان مبدل شده‌اند. آنها ارتباط تنگاتنگی با هم دارند و دارای بخش‌های گسترده‌ای هستند که اطلاعات، ارتباطات، سرگرمی و تفریح را در برمی‌گیرند.

### توسعه‌نیافته‌ترین کشورها

با توجه به اینکه در نیمه دوم قرن بیستم حدود ۸۰ درگیری خشونت‌بار در سراسر جهان به واسطه درخواس‌تهای جدایی‌طلبانه به راه افتاده است، شمار فراوانی از دولت‌ها در جهان در حال توسعه، عملکردهایی ضعیف یا ناموزون در زمینه توسعه از خود نشان داده‌اند. توسعه نیافته‌ترین و ضعیف‌ترین کشورها، انهایی هستند که دولت به واسطه درگیری